

آموزش مشارکتی

تعریف، مزایا و موانع

سیده مهتاب امام جمعه
دبیر ریاضی، ناحیه ۱۳ اصفهان
آموزش، یادگیری، یادگیری
مشارکتی، دانش آموز، ریاضی

نقشه

تعریف یادگیری مشارکتی

تعریف‌های زیادی از یادگیری مشارکتی ارائه شده است. مثلاً این که روشی از آموزش و یادگیری است که در آن دانش آموزان در گروه‌های کوچک کار می‌کنند تا به اهداف آموزشی دست یابند؛ اهدافی که عمدتاً با فعالیت‌های یادگیری مشخص می‌شود و دانش آموزان را به استدلال و مسئولیت‌پذیری فردی تشویق می‌کند (جانسون و هالوبی، ۲۰۰۳).

از نکات مهم در یادگیری مشارکتی این است که دانش آموز و معلم هر دو از آن بهره می‌برند و برای همه مفیدتر و بانشاط‌تر است. به طور خاص می‌توان مزایایی برای این آموزش برشمرد، به شرح زیر:

مزایای اجتماعی

اگر به طور منظم کار کردن با دیگران را به دانش آموزان آموزش دهیم، آن دسته از مهارت‌های اجتماعی را که به آن‌ها امکان می‌دهد با گروه و وسیعی از افراد کلاس یا خارج از کلاس به راحتی کار یا بازی کنند کسب می‌کنند؛ مهارت‌هایی مثل گوش کردن به حرف دیگران، رعایت نوبت، ابراز عقیده کردن، افکار خود را به روشنی بیان کردن، تشویق دیگران، انتقاد از عقاید به جای انتقاد از فرد و... تمام این مهارت‌ها در زندگی آینده مؤثر است. صرف نظر از این که دانش آموزان در آینده در چه شغلی مشغول کار خواهند شد، از آن‌ها انتظار می‌رود بتوانند با دیگران کار کنند. برای نمونه، فرزند خودم با توجه به این که چند سال در مدارس تحصیل کرد که بیشتر ساعات درسی او به صورت بحث گروهی بود، اکنون در مدرسه فعلی خود، نسبت به دانش آموزان هم‌کلاسی‌اش بهتر می‌تواند در مورد مسائل درسی به خصوص مسئله‌های مربوط به ریاضی بحث و مشکلاتش را حل کند و اصلاً بیشتر راغب است در جلسات گروهی یا بحث‌های گروهی شرکت کند.

نتایج یک بررسی که «مرکز منابع دولتی» در سال ۱۹۸۲ منتشر کرده است نشان می‌دهد مهم‌ترین دلیل این که افراد شغلیشان را از دست می‌دهند این نیست که مهارت‌های لازم در آن شغل را ندارند بلکه این است که نمی‌توانند با همکارانشان به خوبی کنار بیایند (الیس و وال، ۱۳۷۶).

مزایای تحصیلی

از جمله مزایای تحصیلی یادگیری مشارکتی افزایش مدت زمانی است که دانش آموزان حواسشان متوجه درس یا کار گروهی است. معلمان این را که در کار گروهی دیگر مجبور نیستند دائم

آموزش رایج در مدارس ما عموماً یکسویه و از معلم به دانش آموز است. حاصل این روش افزایش اطلاعات و دانسته‌های دانش آموزان است، اما مشخص نیست چه میزان از این اطلاعات و دانسته‌ها می‌تواند به تربیت افرادی با اعتماد به نفس بالا، مسئولیت‌پذیر و سودمند به نفع جامعه منجر شود. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای پیشرفته، از جمله استرالیا، حداقل در کنار به کارگیری روش‌های قدیمی، به یادگیری مشارکتی و بحث و گفت‌وگو در گروه‌های کوچک اهمیت خاصی داده می‌شود.

در مدت چهار سالگی که نگارنده همراه همسر، برای ادامه تحصیل او، در کشور استرالیا اقامت داشتم، فرزندم از کلاس اول تا چهارم خود را در یکی از مدارس انگلیسی زبان تحصیل می‌کرد. در این سال‌ها برای بررسی وضعیت تحصیلی او به مدرسه می‌رفتم که طبعاً با بعضی از خانواده‌های دانش آموزان و اولیای مدرسه سروکار داشتم. گاهی نیز پیش می‌آمد که به داخل کلاس‌ها می‌رفتم و جریان تحصیل فرزندم و چگونگی تدریس معلمان را از نزدیک مشاهده می‌کردم. شوق به یادگیری روش‌های نوین تدریس وجود را سرشار می‌کرد و مرا به جست‌وجو و می‌داشت. اگرچه تفاوت‌های زیادی بین نظام آموزش استرالیا و ایران وجود دارد که مقایسه این دو نظام را دشوار می‌سازد ولی یکی از نکات برجسته در آموزش استرالیا استفاده از روش‌های مشارکتی و تشویق دانش آموزان به بحث و گفت‌وگو با یکدیگر است. در حالی که وقتی به فرایند آموزش‌های خودمان در طی سال‌های دوران تحصیل نگاه می‌کنم، به وضوح خلأ آموزش به روش بحث گروهی و فعالیت مشارکتی را احساس می‌کنم. شاید به همین خاطر باشد که حتی در بین ما بزرگسالان نیز فعالیت‌های جمعی و گروهی کم است و بیشتر به کسب فعالیت‌هایی از نوع فردی عادت داریم. به عبارت دیگر، به محض آن که یک کار مشارکتی و جمعی را آغاز می‌کنیم، معمولاً دچار مشکلات فراوان می‌شویم و ترجیح می‌دهیم دیگر هرگز به کار گروهی دست نزنیم. ولی تردید نیست که، اگر معلم، به خصوص در سال‌های اولیه آموزش، از روش‌های یادگیری مشارکتی استفاده کند موجب تسهیل فرایندهای آموزشی و یادگیری در سال‌های بعد خواهد شد و این، فراگیرنده را حتی در زندگی و موقعیت‌های شغلی یاری می‌کند.

مجموعه مشاهدات و تجربیات من باعث شد سعی کنم مطالبی را درباره اهمیت آموزش گروهی و یادگیری مشارکتی، به خصوص در سال‌های ابتدایی و راهنمایی که بستری برای فعالیت‌ها در دبیرستان و دوران بعد است، پی‌ریزی کنم. آنچه می‌خوانید برآمده از این تلاش است.



بهروز ثروتیان
(۱۳۹۱-۱۳۱۶)
معلم، استاد دانشگاه نظامی شناس

استاد ثروتیان از خادمان بزرگ زبان و ادب فارسی در چند دهه اخیر بود. وی آذری زبان و اهل میاندوآب بود. در حالی که مدرک دیپلم پنجم علمی داشت، تا ۲۴ سالگی در آن شهر و چند سال نیز در خراسان به تدریس در مدارس مشغول بود. در خراسان و در برخورد با کانون زبان فارسی، آندیشتر جمشید بی‌شهریار به فارسی به ذهن او راه یافت تا سال‌ها بعد که آن را به زیباترین شکل برای فارسی‌زبانان عرضه کرد (انتشارات سروش). ثروتیان در سال ۱۳۴۵ از دانشگاه تبریز با رتبه اول فارغ‌التحصیل شد و مدال درجه یک علمی گرفت. سرانجام در سال ۱۳۵۴، با دریافت درجه دکتری، در دانشگاه تهران استخدام شد.

آن شادروان نظامی شناس برجسته‌ای بود؛ به طوری که حاصل ۳۰ جلد از مجموع ۷۰ جلد اثری که منتشر کرد از نظامی یا درباره نظامی است. به جز آن، در حافظه‌شناسی، عطارشناسی و مولوی شناسی نیز کارهایی از او باقی مانده است. این معلم و استاد دانشمند و بی‌ادعا در داماد امسال در گهر دشت کرج در گذشت و در بهشت بی‌بی سکینه همان‌جا به خاک سپرده شد.

صحبت کردن و القای نظرات خود توجه ندارد بلکه می‌کوشد همه دانش‌آموزان در فعالیت‌های یادگیری درگیر شوند (اسکاف و همکاران ۱۳۷۷).

افزایش حس مسئولیت‌پذیری

اگر به‌عنوان یک مسئول یا معلم، دانش‌آموزان را به همکاری و مشارکت در امر برنامه‌ریزی موضوعات گوناگون و جنبه‌های ویژه فعالیت‌های مورد علاقه آن‌ها تشویق کنیم، درمی‌یابیم که آنان نسبت به یادگیری مفاهیم و مطالب گوناگون درس مسئولیت‌ بیشتری احساس می‌کنند. چنین دانش‌آموزانی نسبت به کسانی که توانایی‌های مشارکتی ندارند، کارهای بیشتری می‌توانند انجام دهند (یغما، ۱۳۷۰).

موانع آموزش مشارکتی

گاهی معلمان می‌گویند بسیار خوب، من می‌دانم که دانش‌آموزان احتیاج دارند مهارت‌های کنار آمدن با دیگران و به‌طور فعال و مؤثر در گروه کار کردن را یاد بگیرند، ولی وقت کلاس به اندازه‌ای نیست که بتوان یادگیری مشارکتی را آغاز کرد و در حال حاضر برنامه درسی هم به اندازه کافی سنگین است. این حرف که در جای خود صحیح است موجب می‌شود نتوانیم از همه معلمان انتظار داشته باشیم که در کلاس‌های خود این روش را به کار گیرند، مگر آن‌که از قبل تمهیداتی برای این کار اندیشیده شود. از دیگر موانع این روش، از نظر معلمان، آن است که اجرای آن مشکل است و به مهارت معلم و صوری او احتیاج است. همچنین این روش برای کلاس‌های پرجمعیت با فضای کم قابلیت اجرایی کمتری دارد.

باید گفت با وجود این موانع و محدودیت‌هایی که در اجرای آموزش و یادگیری مشارکتی وجود دارد، نظر به مزیت‌های بسیاری که بر آن مترتب است باید بکوشیم این شیوه یادگیری

تک‌تک افراد کلاس را متوجه انجام تکالیف و وظایف خود کنند خیلی دوست دارند. در واقع، یادگیری از طریق مشارکت باعث افزایش بحث و گفت‌وگو می‌شود. وقتی دانش‌آموزان به‌طور مرتب با نظرات و عقاید مخالف خودشان مواجه می‌شوند، یاد می‌گیرند عقاید خود را و ارسای و در صورت لزوم آن را اصلاح کنند. اجبار به بیان کردن افکار فردی در برابر دیگر اعضای گروه، به دانش‌آموزان کمک می‌کند که از یک طرف عقاید خود را روشن‌تر کنند و از طرف دیگر آن‌ها را واهی دارد که در برابر استدلال‌های ناسازگار و غیرمنطقی شکیبایی نشان دهند. همچنین یادگیری مشارکتی موجب رشد ادراک دانش‌آموزان می‌شود، چراکه در فعالیت‌های گروهی، دانش‌آموزان غالباً در سطوح بالاتر یادگیری درگیر می‌شوند، در حالی که در مباحثه کلی در کلاس، که عمدتاً به سطح دانش و درک پرداخته می‌شود، چنین نیست (جانسون و هالوبی ۲۰۰۳).

افزایش اعتماد به نفس

یادگیری از طریق مشارکتی در پرورش اعتماد به نفس دانش‌آموزان بسیار مؤثر است. وقتی دانش‌آموزی موفقیت‌های گروه و نیز حمایت از خود را در گروه تجربه می‌کند و اگر دانش‌آموزی دیگر از او سؤالی بپرسد که به مشارکت آن احتیاج دارد، خود را جزئی از فراگیرندگان باکفایتی در کلاس می‌بیند که قدر هم‌کلاسی‌هایشان را می‌داند و لذا رفتارهای توأم با یأس در او کاهش می‌یابد (جانسون و هالوبی ۲۰۰۳).

افزایش رابطه دوستانه بین معلم و دانش‌آموز

امتیاز دیگر یادگیری مشارکتی این است که، از نظر دانش‌آموزان، معلمی که از شیوه‌های یادگیری فعال استفاده می‌کند غالباً منصف‌تر از معلمی است که از این شیوه استفاده نمی‌کند و بچه‌ها نیز این معلم را بیشتر دوست دارند. به عبارت دیگر، چنین معلمی تنها به





محمدرضا مهرابی

معلم نمونه، تلاشگر و خلاق شوش خوزستان

محمدرضا مهرابی در شوش متولد شده است. وی پس از دریافت دیپلم ریاضی و طی دورهٔ سرباز معلمی، به استخدام حق التدریس آموزش و پرورش شوش درآمد و به مدت هفت سال در دبیرستان‌ها به تدریس ریاضی پرداخت. همزمان مدرک کاردانی و سپس کارشناسی خود را در رشتهٔ تربیت‌بدنی از دانشگاه آزاد شوش دریافت کرد و اکنون در آستانهٔ ورود به دورهٔ کارشناسی ارشد همین رشته است. مهرابی علاوه بر تدریس در مدارس شوش، با ادارهٔ تربیت‌بدنی نیز همکاری فعالانه دارد و قسمت عمده‌ای از وقت خود را صرف این همکاری می‌کند که حاصل آن گذراندن دوره‌های متعدد آمادگی جسمانی، مدرک‌های مربی‌گری در این رشته و انجام سفرهای متعدد به چند کشور خارجی برای کسب تجربهٔ بیشتر است. به علاوه هنرمند است و تاکنون بوسترهای متعددی را در زمینهٔ قرآن، حدیث و مسائل و احکام دینی و نیز تربیت‌بدنی طراحی کرده، تابلوهای معرق با ساقهٔ گندم ساخته و کاریکاتورهای آموزشی زیبایی کشیده که مورد توجه ادارات و نهادهای مربوطه واقع شده است.

سطح مدرسه

در سطح مدرسه نیز یادگیری مشارکتی می‌تواند تسهیل شود، هرچند که به برنامه‌ریزی طولانی مدت‌تری نیاز دارد. مثلاً دانش‌آموزان می‌توانند به صورت‌های مختلف گروه‌بندی شوند. یک نمونه از این گروه‌بندی‌ها که من در مدارس استراليا از نزدیک مشاهده کردم به قرار زیرند:

الف. تشکیل کلاس‌های چند پایه: این کار سبب تحکیم ارتباط میان دانش‌آموزان کلاس‌های بالاتر با کلاس‌های پایین‌تر می‌شد و درگیری‌ها و تضادها را در بیرون از کلاس کاهش می‌داد. همچنین، تشکیل گروه‌هایی با عنوان «دوستی» که در سالن اجتماعات مدرسه با عنوان «فعالیت در تالار» برگزار می‌شد و طی آن دانش‌آموزان بزرگ‌تر مسئولیت شاگردان کم‌سن و سال را به عهده می‌گرفتند.

ب. تعیین گروه‌های هم‌پایه: در این گروه‌ها عده‌ای از دانش‌آموزان ممتاز کلاس مسئولیت چند گروه از دانش‌آموزان ضعیف‌تر را به عهده می‌گرفتند و این باعث می‌شد یادگیری دانش‌آموزان بهتر شود.

ج. مشارکت خانواده‌ها: همانند سایر الگوهای یادگیری، مشارکت خانواده‌ها در یادگیری مشارکتی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. همان‌طور که می‌دانیم، تعلیم و تربیت دانش‌آموزان تنها در آموزش‌گاه صورت نمی‌گیرد زیرا آنان در تمام ساعات بیداری، از طریق والدین، رسانه‌های گروهی، گروه همسالان، اعضای خانواده، افراد جامعه و فضای حاکم بر اجتماع آموزش می‌بینند.

معرفی نمونه‌ای از آموزش مشارکتی در استراليا

از مشاهدات و تجربیات خود طی چهار سال حضور در استراليا، می‌توانم ویژگی کلاس‌ها را در آن کشور این‌طور بیان کنم:

- درس‌ها طوری تنظیم می‌شدند که بچه‌ها را به طرف حل مسائل می‌کشاندند و زمینه‌ای که آنان مطالب را طوطی‌وار یاد بگیرند وجود نداشت.

- معلم بیشتر در نقش راهنما برای دانش‌آموزان عمل می‌کرد.
- دانش‌آموزان دفترچه‌های خود را با تمرینات و مشق‌های تکراری طوطی‌وار نمی‌کردند.

- معلم بچه‌ها را در مباحث و گفت‌وگوهای مؤثر درگیر می‌کرد و دانش‌آموزان در جریان یادگیری، مشارکتی فعال داشتند.
- محیط کلاس‌ها طوری فراهم شده بود که شاگردان یکدیگر را می‌شناختند و برای هم‌ارزش قائل می‌شدند و می‌دانستند که چگونه با هم گفت‌وگو کنند و به صحبت‌های یکدیگر گوش بدهند.
- در بیشتر مدارس ابتدایی پایه‌ها در هم ترکیب شده‌اند، مثلاً کلاس‌های اول و دوم ابتدایی با هم، دوم و سوم با هم و همین‌طور چهارم و پنجم.

منبع

۱. سوال الیس و سوزان وال، آشنایی با یادگیری از طریق همیاری، ترجمهٔ طاهره رستگار و مجید ملکان، ۱۳۷۶.
۲. جوانا اسکاف و همکاران، یادگیری مشارکتی، ترجمهٔ دکتر محمدامینی و دکتر منصور مرعشی، ۱۳۷۷.
۳. شیرین مجازی، طراحی آموزشی در تدریس، ۱۳۷۰.
۴. عادل یغما، کاربرد روش‌ها و الگوهای تدریس، ۱۳۷۰.
۵. کیت احسون، نظارت و راهنمایی تعلیماتی، ترجمهٔ محمدرضا مهرابی، ۱۳۸۰.

6. johnson, D.J. & Holubee, J. cooperatoin in Edusroom

در دو سطح اجرا شود.

۱. سطح کلاس

۲. سطح مدرسه

آنچه در ادامه می‌آید، بیشتر ناظر بر دیدگاه‌ها و رهنمودهای کارشناسان و صاحب‌نظران و نیز تجربه‌هایی است که نگارنده از این موضوع دارد.

سطح کلاس

الف. هنگام تلاش به منظور افزایش رفتار مشارکتی، به تشویق و تمجید الگوهای رفتاری پسندیدهٔ دانش‌آموزان بپردازیم و به رفتارهای ناشایسته و غیرقابل قبول آن‌ها پاداش ندهیم و التفات بی‌مورد نداشته باشیم (مجازی، ۱۳۸۵).

ب. هدایت بعضی از دانش‌آموزان، برای مشارکت با دیگران، کاری دشوار است. بعضی اوقات چنین دانش‌آموزانی مثلاً با ناسازگاری، جک‌پراکنی و دست‌انداختن، همهٔ طرح‌های تنظیمی را خنثا می‌کنند و از بین می‌برند. اما لازم است که ما در این موارد کاملاً صبور و شکیبا باشیم تا این مشکل به مرور برطرف شود (اسکاف و همکاران، ۱۳۷۷).

ج. داشتن پشتکار و ثبات قدم در برانگیختن علاقه و توجه بعضی دانش‌آموزان به امر مشارکت فعالیتی ارزشمند است. اگر چنین فعالیتی را انجام ندهیم، معلمی که سال بعد به جای ما خواهد آمد با مشکل مواجه خواهد شد (مجازی، ۱۳۸۵).

د. از دیگر راه‌های کمک به یادگیری مشارکتی آن است که دانش‌آموزان را در کلاس گروه‌بندی کنیم. معلم باید مطمئن شود که دانش‌آموزان یک رده هم‌پایه در یک گروه قرار نمی‌گیرند و در نتیجه گروه‌ها تعطف‌پذیر می‌شوند. در یادگیری مشارکتی در گروه‌های کلاس، معلم و دانش‌آموز، هر کدام باید نقش خاصی را ایفا کنند (اسکاف و همکاران، ۱۳۷۷).

نقش ویژه معلم نیز در ایجاد زمینه‌های لازم برای جلب مشارکت دانش‌آموزان اهمیت خاصی دارد که از آن جمله

است:

- فراهم کردن امکانات از نظر محل و تجهیزات؛
- تنظیم آرایش نشستن افراد که معمولاً به صورت متمرکز و غیرمتمرکز صورت می‌گیرد. در ارتباط متمرکز، یک فرد (معلم یا شاگرد) محور و مرکز ارتباط است و در غیر متمرکز همهٔ افراد فرصت و امکان مساوی برقراری ارتباط را دارند؛
- بررسی نیازها و علاقه‌ها و تجربه‌های قبلی دانش‌آموزان برای تنظیم و طراحی بحث و برنامه‌ریزی اهداف و فراهم کردن زمینه‌های مشترک؛
- شرکت معلم در بحث، به‌طوری که مسئله‌ای مطرح شود و به صورت صریح و روشن از فراگیرنده خواسته شود بعد از کمی تفکر نظر خود را بیان کند؛
- دعوت همهٔ فراگیرندگان به شرکت فعال در بحث نه تعداد خاصی از آنان؛
- سعی معلم در شنونده بودن. در عین این که از نقش خود در پی‌گیری، تحلیل و ارزیابی بحث غافل نشود.
- گوشزد کردن نقش فراگیرندگان به آن‌ها این که با دقت به صحبت‌ها گوش دهند، با یکدیگر به‌طور خصوصی صحبت نکنند و انتظار نداشته باشند نظرشان حتماً پذیرفته شود.